

اینجا تاریخ

پشت شیشه نیست

روزیه کردونی

سیاست پروه

به دستور دکتر صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی برای بررسی وضعیت پروژه آرامگاه شمس و زمان آماده شدن آن برای بهره برداری به خوی رقتیم. در محل، نخستین چیزی که به چشم می آمد خود «ساخته شدن» بود؛ داربست ها، اسکلت فلزی گنبد، آجرهای تازه، بتن و کارگرانی که در ارتفاع کار می کردند. بالای سازه نیمه تمام، پرچم زن تکان می خورد.

برای دیدن مردی متعلق به هشت قرن پیش آمده بودیم، اما آنچه دیدیم می شد کاملاً امروزی بود؛ بعضی آدم ها بعد از رفتن، از تاریخ بیرون نمی روند؛ آرام آرام به جغرافیا و معنا تبدیل می شوند. شمس قرن هاست که نیست، اما هنوز ناشی می تواند آینده را به گذشته ای دور پیوند بزند.

از خوی تا ارومیه، سفر کم کم از شکل یک مأموریت اداری بیرون می آمد.

دیگر فقط مسئله زمان پایان پروژه شمس نیست؛ پرسش بزرگ تری شکل می گرفت: این بخش از ایران را با چه چیزی باید به

خاطر سپرد؟ پاسخ ساده ای ندارد.

کنار دریاچه ارومیه، مردی محلی نشسته بود که همه او را «ناخدا» صدا می کردند. خوشحال بود؛ چون دوباره می توانست قایقش را روی آب بیندازد. برای کسی که سال ها خبر دریاچه را در عدد و تراز و گزارش دنبال کرده، بازگشت آب شاید فقط یک خبر باشد؛ برای ناخدا، بازگشت بخشی از زندگی بود.

آب آرام تا دور دست کشیده شده بود و در بعضی جاها مرزش با لاسمان پیدا نبود. قایق ها روی سطح دریاچه حرکت می کردند و کسانی که کنار ساحل ایستاده بودند آن سال قبل می گفتند: از روزهایی که آب عقب رفته بود و قایق سواری تقریباً بی ممکن نبود.

دریاچه ارومیه فقط یک منظره نیست. سرنوشت آن با کشاورزی، منابع آب و زندگی مردم پیروانش گره خورده است. اما اگر ارومیه همان دریاچه دانسته شود، هنوز وارد خود شهر نشده ایم.

در بازار قدیمی، ارومیه تصویر دیگری دارد. زیر طاق های آجری،

زندگی روزمره جریان دارد؛ مغازه ها، ادویه ها، حبوبات، فروشنده ها،

مشتري ها و رفت و آمدی که شاید شکلس عوض شده باشد، اما امالش

همان مانده است. اینجا تاریخ پشت شیشه نیست؛ میان زندگی مردم

بازار یکی از بهترین جاها برای فهم یک شهر است. شهر فقط بنا و تاریخ نیست؛ عادت های روزمره مردم هم هست. اینکه هر صبح مغازه ای باز شود، کسی سلام کند، چیزی وزن شود، کسی قیمت بپرسد

و همین رفت و آمد ساده، سپس بعد از شل ادامه پیدا کند.

از بازار که بگذری، به مسجد جامع می رسی. گنبد بزرگ آجری

مسجد، ساده و آرام بر فراز بنا ایستاده است. داخل مسجد، نور روی

آجرها نرم تر می شود. طاق های بی دربی و راهروهای کشیده، آدم را

آرام آرام از شلوغی بازار جدای می کنند.

بعد محراب ظاهر می شود؛ کج بری ظرف و مترکم، کتیبه ها و

هندسه ای که چشم را وادار به مکث می کند. هرچه نزدیک تر می شوی،

نقش تازه ای پیدا می شود؛ انگار دیوار بعد از قرن ها هنوز تمام حرفش

نارزده است. اگر ارومیه فقط طبیعت دانسته شود، این چند قرن آجر

و گچ و معماری نادیده می ماند.

اما شهر باز هم تصویر دیگری دارد؛ کلیسای ننه مریم.

در همان شهری که مسجد جامع و بازار تاریخی اش بخشی از

هویت آن اند، کلیسایی هم هست که تاریخ جامعه آشوری ارومیه را

یادآوری می کند. اینجا لازم نیست درباره «تنوع فرهنگی» با زبان رسمی

حرف زد؛ خود شهر آن نشان می دهد.

ارومیه را بیش از بناهایش، آدم هایش کنار هم قابل فهم می کنند؛

ناخدای کنار دریاچه، فروشنده بازار، رخشنده که از کنار مسجد

می گذرد، کشیش کلیسا و مردمی که هر کدام بخشی از حافظه این شهر

را با خود حمل می کنند.

همین چندلایی است که ارومیه را از یک مقصد معمولی جدا

می کند. ارومیه شهری است که سفر در آن تمام نمی شود؛ از اینجا

جاده ها به فقه های دیگری باز می شوند، از خوی و شمس تا ماکو،

چالدران و قره کلیسا، شهر هم مقصد است و هم نقطه شروع.

کنار شمس، گذشته داشت ساخته می شد. کنار دریاچه، چیزی

داشت به زندگی برمی گشت. در بازار، زندگی ادامه داشت. در مسجد

جامع، قرن ها هنوز روی دیوار مانده بود و در ننه مریم، بخش دیگری

از حافظه این سرزمین حضور داشت. بعضی شهرها را نمی شود در یک

تصویر خلاصه کرد.

ارومیه هر بار با چیزی به تعریف قبلی اش اضافه می کند و همان

تعریف را ناقص می کند. سفر برای دیدن زمان تحویل یک پروژه شروع

شده بود؛ اما پایان آن به یک نتیجه دیگر رسید؛ بعضی شهرها اصلاً

«تحویل دانی» نیستند.

بخشی از خودشان را در یک سفر نشان می دهند و بخشی را برای

سفر بعد نگه می دارند. ارومیه یکی از همان شهرهاست.

به مناسبت هفته دولت اعلام شد

مهم ترین موضوعات مطرح شده در جلسه ۷ساعته رئیس جمهوری با رهبر معظم انقلاب

به مناسبت هفته دولت، مروری بر موضوعات مطرح شده در گفتگوی پزشکيان و حضرت آيت الله سيدمحيتي خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی همزمان با آغاز سومين سال رياست جمهوری پزشکيان منتشر شد.

به گزارش رسانه رهبر انقلاب اسلامی، مهم ترین موضوعات مطرح شده در جلسه ۷ساعته رئیس جمهوری با رهبر معظم انقلاب به شرح زیر است:

«تأمین نیازهای معیشتی مردم»
*شرایط موجود جنگ تحمیلی سوم و آینده پیش رو
*بررسی تحولات حوزه نظامی
*تأمین منابع و مدیریت مصارف «ریالی، ارزی و انرژی»
*تعمیل اقتصادی با طرف های خارجی
*وضعیت مسکن و اشتغال
*بررسی نحوه ایستادگی کشور در برابر دشمن
مهم ترین توصیه رهبر معظم انقلاب در این دیدار، «حفظ وحدت و انسجام داخلی و پرهیز از اختلاف افکنی» بوده است.

ثبت شکایت ایران درباره جنایات جنگی اخیر در دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا

معاون امور بین الملل قوه قضایه و دبیر ستاد حقوق بشر

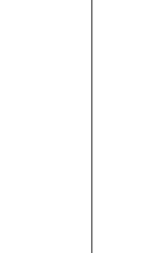
گفت: شکایت ایران در دیوان دعاوی ایران و آمریکا مبتنی بر بیانیه الجزایر ثبت شد.

اینجا تاریخ

پشت شیشه نیست

روزیه کردونی

سیاست پروه



به دستور دکتر صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی برای بررسی وضعیت پروژه آرامگاه شمس و زمان آماده شدن آن برای بهره برداری به خوی رقتیم. در محل، نخستین چیزی که به چشم می آمد خود «ساخته شدن» بود؛ داربست ها، اسکلت فلزی گنبد، آجرهای تازه، بتن و کارگرانی که در ارتفاع کار می کردند. بالای سازه نیمه تمام، پرچم زن تکان می خورد.

برای دیدن مردی متعلق به هشت قرن پیش آمده بودیم، اما آنچه

دیدیم می شد کاملاً امروزی بود؛ بعضی آدم ها بعد از رفتن، از تاریخ بیرون نمی روند؛ آرام آرام به جغرافیا و معنا تبدیل می شوند. شمس قرن هاست

که نیست، اما هنوز ناشی می تواند آینده را به گذشته ای دور پیوند بزند.

از خوی تا ارومیه، سفر کم کم از شکل یک مأموریت اداری بیرون می آمد.

دیگر فقط مسئله زمان پایان پروژه شمس نیست؛ پرسش بزرگ تری شکل می گرفت: این بخش از ایران را با چه چیزی باید به

خاطر سپرد؟ پاسخ ساده ای ندارد.

کنار دریاچه ارومیه، مردی محلی نشسته بود که همه او را «ناخدا»

صدا می کردند. خوشحال بود؛ چون دوباره می توانست قایقش را روی

آب بیندازد. برای کسی که سال ها خبر دریاچه را در عدد و تراز و گزارش

دنبال کرده، بازگشت آب شاید فقط یک خبر باشد؛ برای ناخدا، بازگشت بخشی از زندگی بود.

آب آرام تا دور دست کشیده شده بود و در بعضی جاها مرزش با لاسمان

پیدا نبود. قایق ها روی سطح دریاچه حرکت می کردند و کسانی که کنار

ساحل ایستاده بودند آن سال قبل می گفتند: از روزهایی که آب عقب

رفته بود و قایق سواری تقریباً بی ممکن نبود.

دریاچه ارومیه فقط یک منظره نیست. سرنوشت آن با کشاورزی، منابع آب و زندگی مردم پیروانش گره خورده است. اما اگر ارومیه همان

دریاچه دانسته شود، هنوز وارد خود شهر نشده ایم.

در بازار قدیمی، ارومیه تصویر دیگری دارد. زیر طاق های آجری،

زندگی روزمره جریان دارد؛ مغازه ها، ادویه ها، حبوبات، فروشنده ها،

مشتري ها و رفت و آمدی که شاید شکلس عوض شده باشد، اما امالش

همان مانده است. اینجا تاریخ پشت شیشه نیست؛ میان زندگی مردم

بازار یکی از بهترین جاها برای فهم یک شهر است. شهر فقط بنا

و تاریخ نیست؛ عادت های روزمره مردم هم هست. اینکه هر صبح

مغازه ای باز شود، کسی سلام کند، چیزی وزن شود، کسی قیمت بپرسد

و همین رفت و آمد ساده، سپس بعد از شل ادامه پیدا کند.

از بازار که بگذری، به مسجد جامع می رسی. گنبد بزرگ آجری

مسجد، ساده و آرام بر فراز بنا ایستاده است. داخل مسجد، نور روی

آجرها نرم تر می شود. طاق های بی دربی و راهروهای کشیده، آدم را

آرام آرام از شلوغی بازار جدای می کنند.

بعد محراب ظاهر می شود؛ کج بری ظرف و مترکم، کتیبه ها و

هندسه ای که چشم را وادار به مکث می کند. هرچه نزدیک تر می شوی،

نقش تازه ای پیدا می شود؛ انگار دیوار بعد از قرن ها هنوز تمام حرفش

نارزده است. اگر ارومیه فقط طبیعت دانسته شود، این چند قرن آجر

و گچ و معماری نادیده می ماند.

اما شهر باز هم تصویر دیگری دارد؛ کلیسای ننه مریم.

در همان شهری که مسجد جامع و بازار تاریخی اش بخشی از

هویت آن اند، کلیسایی هم هست که تاریخ جامعه آشوری ارومیه را

یادآوری می کند. اینجا لازم نیست درباره «تنوع فرهنگی» با زبان رسمی

حرف زد؛ خود شهر آن نشان می دهد.

ارومیه را بیش از بناهایش، آدم هایش کنار هم قابل فهم می کنند؛

ناخدای کنار دریاچه، فروشنده بازار، رخشنده که از کنار مسجد

می گذرد، کشیش کلیسا و مردمی که هر کدام بخشی از حافظه این شهر

را با خود حمل می کنند.

همین چندلایی است که ارومیه را از یک مقصد معمولی جدا

می کند. ارومیه شهری است که سفر در آن تمام نمی شود؛ از اینجا

جاده ها به فقه های دیگری باز می شوند، از خوی و شمس تا ماکو،

چالدران و قره کلیسا، شهر هم مقصد است و هم نقطه شروع.

کنار شمس، گذشته داشت ساخته می شد. کنار دریاچه، چیزی

داشت به زندگی برمی گشت. در بازار، زندگی ادامه داشت. در مسجد

جامع، قرن ها هنوز روی دیوار مانده بود و در ننه مریم، بخش دیگری

از حافظه این سرزمین حضور داشت. بعضی شهرها را نمی شود در یک

تصویر خلاصه کرد.

ارومیه هر بار با چیزی به تعریف قبلی اش اضافه می کند و همان

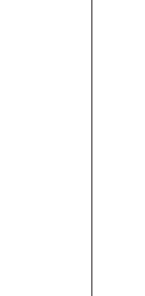
تعریف را ناقص می کند. سفر برای دیدن زمان تحویل یک پروژه شروع

شده بود؛ اما پایان آن به یک نتیجه دیگر رسید؛ بعضی شهرها اصلاً

«تحویل دانی» نیستند.

بخشی از خودشان را در یک سفر نشان می دهند و بخشی را برای

سفر بعد نگه می دارند. ارومیه یکی از همان شهرهاست.



به دستور دکتر صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی برای بررسی وضعیت پروژه آرامگاه شمس و زمان آماده شدن آن برای بهره برداری به خوی رقتیم. در محل، نخستین چیزی که به چشم می آمد خود «ساخته شدن» بود؛ داربست ها، اسکلت فلزی گنبد، آجرهای تازه، بتن و کارگرانی که در ارتفاع کار می کردند. بالای سازه نیمه تمام، پرچم زن تکان می خورد.

برای دیدن مردی متعلق به هشت قرن پیش آمده بودیم، اما آنچه

دیدیم می شد کاملاً امروزی بود؛ بعضی آدم ها بعد از رفتن، از تاریخ بیرون نمی روند؛ آرام آرام به جغرافیا و معنا تبدیل می شوند. شمس قرن هاست

که نیست، اما هنوز ناشی می تواند آینده را به گذشته ای دور پیوند بزند.

از خوی تا ارومیه، سفر کم کم از شکل یک مأموریت اداری بیرون می آمد.

دیگر فقط مسئله زمان پایان پروژه شمس نیست؛ پرسش بزرگ تری شکل می گرفت: این بخش از ایران را با چه چیزی باید به

خاطر سپرد؟ پاسخ ساده ای ندارد.

کنار دریاچه ارومیه، مردی محلی نشسته بود که همه او را «ناخدا»

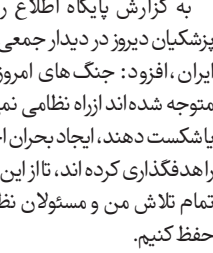
صدا می کردند. خوشحال بود؛ چون دوباره می توانست قایقش را روی

اینجا تاریخ

پشت شیشه نیست

روزیه کردونی

سیاست پروه



به دستور دکتر صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی برای بررسی وضعیت پروژه آرامگاه شمس و زمان آماده شدن آن برای بهره برداری به خوی رقتیم. در محل، نخستین چیزی که به چشم می آمد خود «ساخته شدن» بود؛ داربست ها، اسکلت فلزی گنبد، آجرهای تازه، بتن و کارگرانی که در ارتفاع کار می کردند. بالای سازه نیمه تمام، پرچم زن تکان می خورد.

برای دیدن مردی متعلق به هشت قرن پیش آمده بودیم، اما آنچه

دیدیم می شد کاملاً امروزی بود؛ بعضی آدم ها بعد از رفتن، از تاریخ بیرون نمی روند؛ آرام آرام به جغرافیا و معنا تبدیل می شوند. شمس قرن هاست

که نیست، اما هنوز ناشی می تواند آینده را به گذشته ای دور پیوند بزند.

از خوی تا ارومیه، سفر کم کم از شکل یک مأموریت اداری بیرون می آمد.

دیگر فقط مسئله زمان پایان پروژه شمس نیست؛ پرسش بزرگ تری شکل می گرفت: این بخش از ایران را با چه چیزی باید به

خاطر سپرد؟ پاسخ ساده ای ندارد.

کنار دریاچه ارومیه، مردی محلی نشسته بود که همه او را «ناخدا»

صدا می کردند. خوشحال بود؛ چون دوباره می توانست قایقش را روی

آب بیندازد. برای کسی که سال ها خبر دریاچه را در عدد و تراز و گزارش

دنبال کرده، بازگشت آب شاید فقط یک خبر باشد؛ برای ناخدا، بازگشت بخشی از زندگی بود.

آب آرام تا دور دست کشیده شده بود و در بعضی جاها مرزش با لاسمان

پیدا نبود. قایق ها روی سطح دریاچه حرکت می کردند و کسانی که کنار

ساحل ایستاده بودند آن سال قبل می گفتند: از روزهایی که آب عقب

رفته بود و قایق سواری تقریباً بی ممکن نبود.

دریاچه ارومیه فقط یک منظره نیست. سرنوشت آن با کشاورزی، منابع آب و زندگی مردم پیروانش گره خورده است. اما اگر ارومیه همان

دریاچه دانسته شود، هنوز وارد خود شهر نشده ایم.

در بازار قدیمی، ارومیه تصویر دیگری دارد. زیر طاق های آجری،

زندگی روزمره جریان دارد؛ مغازه ها، ادویه ها، حبوبات، فروشنده ها،

مشتري ها و رفت و آمدی که شاید شکلس عوض شده باشد، اما امالش

همان مانده است. اینجا تاریخ پشت شیشه نیست؛ میان زندگی مردم

بازار یکی از بهترین جاها برای فهم یک شهر است. شهر فقط بنا

و تاریخ نیست؛ عادت های روزمره مردم هم هست. اینکه هر صبح

مغازه ای باز شود، کسی سلام کند، چیزی وزن شود، کسی قیمت بپرسد

و همین رفت و آمد ساده، سپس بعد از شل ادامه پیدا کند.

از بازار که بگذری، به مسجد جامع می رسی. گنبد بزرگ آجری

مسجد، ساده و آرام بر فراز بنا ایستاده است. داخل مسجد، نور روی

آجرها نرم تر می شود. طاق های بی دربی و راهروهای کشیده، آدم را

آرام آرام از شلوغی بازار جدای می کنند.

بعد محراب ظاهر می شود؛ کج بری ظرف و مترکم، کتیبه ها و

هندسه ای که چشم را وادار به مکث می کند. هرچه نزدیک تر می شوی،

نقش تازه ای پیدا می شود؛ انگار دیوار بعد از قرن ها هنوز تمام حرفش

نارزده است. اگر ارومیه فقط طبیعت دانسته شود، این چند قرن آجر

و گچ و معماری نادیده می ماند.

اما شهر باز هم تصویر دیگری دارد؛ کلیسای ننه مریم.

در همان شهری که مسجد جامع و بازار تاریخی اش بخشی از

هویت آن اند، کلیسایی هم هست که تاریخ جامعه آشوری ارومیه را

یادآوری می کند. اینجا لازم نیست درباره «تنوع فرهنگی» با زبان رسمی

حرف زد؛ خود شهر آن نشان می دهد.

ارومیه را بیش از بناهایش، آدم هایش کنار هم قابل فهم می کنند؛

ناخدای کنار دریاچه، فروشنده بازار، رخشنده که از کنار مسجد

می گذرد، کشیش کلیسا و مردمی که هر کدام بخشی از حافظه این شهر

را با خود حمل می کنند.

همین چندلایی است که ارومیه را از یک مقصد معمولی جدا

می کند. ارومیه شهری است که سفر در آن تمام نمی شود؛ از اینجا

جاده ها به فقه های دیگری باز می شوند، از خوی و شمس تا ماکو،

چالدران و قره کلیسا، شهر هم مقصد است و هم نقطه شروع.

کنار شمس، گذشته داشت ساخته می شد. کنار دریاچه، چیزی

داشت به زندگی برمی گشت. در بازار، زندگی ادامه داشت. در مسجد

جامع، قرن ها هنوز روی دیوار مانده بود و در ننه مریم، بخش دیگری

از حافظه این سرزمین حضور داشت. بعضی شهرها را نمی شود در یک

تصویر خلاصه کرد.

ارومیه هر بار با چیزی به تعریف قبلی اش اضافه می کند و همان

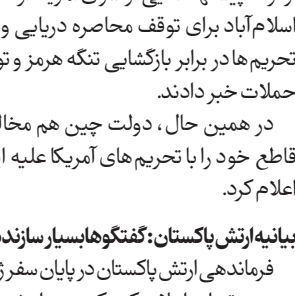
تعریف را ناقص می کند. سفر برای دیدن زمان تحویل یک پروژه شروع

شده بود؛ اما پایان آن به یک نتیجه دیگر رسید؛ بعضی شهرها اصلاً

«تحویل دانی» نیستند.

بخشی از خودشان را در یک سفر نشان می دهند و بخشی را برای

سفر بعد نگه می دارند. ارومیه یکی از همان شهرهاست.



به دستور دکتر صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی برای بررسی وضعیت پروژه آرامگاه شمس و زمان آماده شدن آن برای بهره برداری به خوی رقتیم. در محل، نخستین چیزی که به چشم می آمد خود «ساخته شدن» بود؛ داربست ها، اسکلت فلزی گنبد، آجرهای تازه، بتن و کارگرانی که در ارتفاع کار می کردند. بالای سازه نیمه تمام، پرچم زن تکان می خورد.

برای دیدن مردی متعلق به هشت قرن پیش آمده بودیم، اما آنچه

دیدیم می شد کاملاً امروزی بود؛ بعضی آدم ها بعد از رفتن، از تاریخ بیرون نمی روند؛ آرام آرام به جغرافیا و معنا تبدیل می شوند. شمس قرن هاست

که نیست، اما هنوز ناشی می تواند آینده را به گذشته ای دور پیوند بزند.

از خوی تا ارومیه، سفر کم کم از شکل یک مأموریت اداری بیرون می آمد.

دیگر فقط مسئله زمان پایان پروژه شمس نیست؛ پرسش بزرگ تری شکل می گرفت: این بخش از ایران را با چه چیزی باید به

خاطر سپرد؟ پاسخ ساده ای ندارد.

کنار دریاچه ارومیه، مردی محلی نشسته بود که همه او را «ناخدا»

صدا می کردند. خوشحال بود؛ چون دوباره می توانست قایقش را روی

اینجا تاریخ

پشت شیشه نیست

روزیه کردونی

سیاست پروه

امام محمد غزالی، فیلسوف، متکلم و یکی از بزرگ ترین مردان تصوف سده پنجم هجری است. از او آثار زیادی به جا مانده است که مهم‌ترینش احیاءالعلوم است در اخلاق و کیمیای سعادت. آنچه در پی بی‌آید، بخشهایی از کتاب اخیر است که به واقع ترجمه گریشی خود اوست از کتاب بسیار مفصل احیاءالعلوم.

کیمیای سعادت

بدان که حق تعالی بر مصطفی^(ص) ثنا گفت به خلق نیکو و گفت: «**اِنَّکَ تَملِی خُلُقَ عَظیمٍ**». و رسول^(ص) گفت: «مرا فرستاده‌اند تا محاسن اخلاق را تمام کنم» و گفت: «عظیم‌ترین چیزی که در ترازو نهند، خوی نیکوست.»

یکی در پیش رسول^(ص) آمد و گفت: «دین چیست؟» گفت: «خلق نیکو». از راست وی اندرآمد و از چپ وی اندرآمد و همچنین می‌پرسید و وی همچنین می‌گفت. بازپسین بار گفت: «می‌دانی؟

آن که خشمگین نشوی.» و از وی پرسیدند که: «فاضل‌ترین اعمال چیست؟» گفت: «خلق نیکو.»

و رسول^(ص) گفت: «هر که را خدای تعالی خلق نیکو داد و روی نیکو وی را ارزانی داشت، خورش آتش نکند.»

رسول^(ص) گفت: «خوی بد طاعت را همچنان

تنباه کند که سرکه انگبین را!»

و رسول^(ص) اندر دعاگفتی: «بارخدا، خلق من نیکوافریدی، خلق من نیکوبکن.»

و گفتی: «بارخدا، تندرستی و عافیت و خوی

نیکو ارزانی دار.»

پرسیدند رسول^(ص) را که: «به چه جهر که حق

تعالی بنده را بدهد؟» گفت: «خلق نیکو.»

و گفت: «خلق نیکو گناه را همچنان نیست کند

که آفتاب بخ را.»

و گفت: «بنده به خلق نیکو درجه بباید،

چنان که کسی که به روز به روز با بدو به شب به نماز و درجات بزرگ اندر آخرت بباید، اگرچه ضعیف عبادت بود.»

رسول^(ص): از پی هر زشتی نیکویی بکن تا آن

را محو کند.»

رسول را گفتند که: «عسی^(ع) بر آب پرفت.»

گفت: اگر درجه یقین وی زیادت شدی، در هوا

برفتی.

رسول^(ص) چنین گفته است: جستن علم،

فریضه است بر همه مسلمانان.

رسول^(ص) گفت: پاکی یک نیمه مسلمانی است.

هرگز در سفر و حضر، شانه از رسول^(ص) جدا

نبودی.

مسلمانان

رسول^(ص) گفت که: مسلمان آن کس است که

مسلمانان از دست و زبان وی سلامت یابند.

رسول^(ص) گفت: «دانید که مسلمان که بود؟»

گفتند: «خدای و رسول وی بهتر داند.» گفت: آن که

مسلمانان از دست و زبان وی سلامت یابند.

گفتند: «پس مؤمن که بود؟» گفت: آن که

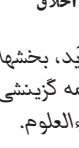
مسلمانان را بر وی ایمنی بود در تن و مال خویش.

گفتند: «پس مهاجر که بود؟» گفت: آن که کار

بد، برنیده بود.

کار

رسول^(ص) گفت: هر که دنیاى حلال طلب کند



تا از خلق بی نیاز شود و یا با همسایه و خویشاوندان

نیکویی کند، روز قیامت می‌آید و روی وی چون ماه

شب چهارده بود.

و رسول^(ص) گفت: باز گانان راستگوی، روز قیامت

با صدیقان و شهیدان برخیزند.

و گفت: خدای تعالی مؤمن پیشه‌ور را دوست

دارد.

و گفت: حلال‌ترین چیزی، کسب پیشه‌ور است،

چون نصیحت به جای آرد.

محترک ملعون است و رسول^(ص) گفت: هر که چهل

روز طعام نگاه دارد تا گران شود، آنگاه همه به صدقه

دهد، کفارت این نبود.

و رسول^(ص) گفت: هر که طعام نگاه دارد (احتکار

کند)، خدای تعالی از وی بیزار است و وی از خدای

بیزار است!

رسول^(ص) به مردی بگذشت که گندم می‌فروخت،

دست در گندم کرد، درون وی تر بود. گفت: «این

چیست؟» گفت: «آب رسیده است.» گفت: «پس

چرا این بیرون نکردی؟ هر که غش کند، از ما نیست.»

رسول^(ص) می‌گوید: رحمت خدای بر کسی باد که

سند و دادآسان کند.

و می‌گوید: هر که آسان گیرد، خدای تعالی کارهای

وی آسان گیرد.

سعد از بزرگان صحابه بود، گفت: «یا رسول الله،

دعاکن نادعا مرا اجابت بود به هر دعا که کنم.» گفت:

حلال خور تا دعا مستجاب شود.

رسول^(ص) گفت: بسیار کس طعام و جامه و غذای

وی حرام است، آنگاه دست برداشته دعا می‌کند،

چنین دعاکی اجابت کند؟!!

گرستگی

رسول^(ص) گفت: جهاد کنید با خویشان به

گرستگی و تشنگی که ثواب این، ثواب جهاد است

با کفار.

و گفت: هر که شکم پر کرد، وی را به ملکوت

آسمان راه ندهند.

و گفت: فاضل‌ترین شما به نزدیک خدای

تعالی، آن است که تفکر و گرستگی وی درازتر است.

و دشمن‌ترین شما به نزدیک خدای تعالی، آن است

که طعام بسیار خورد و آب بسیار خورد و بسیار خسبد.

گفت رسول^(ص) که: دل خویش زنده گردانید به

اندک خوردن، و پاک گردانید به گرستگی تا صافی و

سبک شود

و رسول^(ص) گفت: سیر مخوری که نور معرفت اندر

دل شما کشته شود.

احسان

رسول^(ص) گفت: صدقه دهید و اگر همه یک خرما

بود که آن درویش (=فقیر) رانده کند و گناه را بکشد،

چنان که آب آتش را.

و گفت: پیرمزدید از دوزخ و اگر همه نیم خرما بدانی

و اگر نتوانید، به سخنی خوش.

و گفت: هیچ مسلمان از حلال صدقه ندهد که نه

ایزد تعالی آن را بر دست لطف خود بستاند و می‌پرورد،

چنان که شما چهار پای خویش بی‌پروید تا آنگاه که

خرمایی چند کوه آحد شود.

و گفت: فردا هر کسی در سایه صدقه خویش بود

تا آنگاه که میان خلق حکم بکنند.

و گفت: صدقه هفتاد در از درهای سر بلند.

و ننی دائم منظورش چیست. شاید از سر رفتن

حوصله اش باشد. آخر او که از این حرفها سر

درنی‌آورد.

مفهوم است؟

آقای بهرام شهبازی که همچون پسرش بازیگر

تئاتر است، می‌آید و چند بار می‌گوید: «لبیک

بر حسین!» و به مردم می‌دهد. مردمی که با دوزخ ختر

بزرگش می‌زند؛ پرسید: «می‌فروشید؟» معلوم

است که نه. تازه هر کس می‌تواند سفارش دهد تا

برایش بنویسند. یکی از اینهارای خواهرم به خط

مُغلا نوشته «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» که

خود بنده مثل شش عبادت است. سخنران ادامه

می‌دهد:

پچه کوچکی زیر آوار بود و مردی مضطرب

بود. گفتند طفلک گرسنه بود و پدرش رفت

برایش شیر خشک بکیرد، وقتی آمد، خانه رازده

بودند و بعد از چندروز پیکری جانش را درآوردیم.

هنوز نمی‌توانم بخواهم و این صحنه‌ها راز از فکر

دور کنم. وطن‌فروشانی که منتظر کمک ترامپ

بودند، جلوتر می‌توانند با بدین این صحنه‌ها

به کارشان ادامه دهند؟...

مردم چند بار فریاد می‌زنند: «مرگ بر

وطن فروش خائن» (مرگ بر آمریکا). مجری

می‌آید و همچون شهبازی قبل می‌گوید:

«شعار هر شب ما...»

مردم بلند می‌گویند: «مرگ بر آمریکا». او

ادامه می‌دهد: شعار مذهب ما... هر تاب و هم

تب ما... بعدمی‌گوید: «پوریاشهبازی دوروز پیش

(۱۴فروردین) به شهادت رسید و حالا پدرش اینجا

حاضر شده است...» (عکسش روی پرده می‌آید.

چون هنوز خوشرویی!) پدر می‌گوید: «قراقرز نبود

بگویند.» مجری می‌گوید: «نه، ما قراقرز نبود

بگوینم. شهبازی این درس را از کجا گرفته؟...»

و گریزی به کرپای می‌زند: «حضرت زینب وقتی

بچه هایش شهید شد و پیکرشان را به خیمه

مخصوص شهیدان آوردند. او جلونرفت تا برادرش



به مناسبت آغاز هفته وحدت و میلاد پیامبر اکرم(ص) به روایت اهل سنت

پیامبر (ص) چنین بود



– فقرا رسول^(ص) را گفتند: «توانگران ثواب آخرت،

همه بردند. هر عبادتی که ما می‌کنیم، ایشان نیز

می‌کنند و ایشان صدقه می‌دهند و ما نمی‌توانیم.»

گفت: شما رابه سبب درویشی، هر تسبیحی و تهلیلی

و تکبیری، صدقه است؛ و هر امر به معروفی و نهی

از منکری، صدقه است؛ و اگر یکی از شما لقمه‌ای در

دهان اهل خویش نهد، صدقه است.

انس گوید رضی الله عنه که: رسول^(ص) هرگز طعام

نتنها نخوردی.

رسول^(ص) هیچ طعام را عیب نکردی؛ اگر خوش

آمدی، بخوردی و اگر نه، دست بازگرفتی.

رسول^(ص) گفت: هر که برادر مسلمان را طعام

و شراب دهد تا سیر شود، ایزد تعالی ورا از آتش دور

گرداند.

– گفت رسول^(ص): کسی که مهماندار نیست، در

وی خیر نیست.

– رسول^(ص) می‌گوید: بدترین طعام‌ها طعام

ولیمه‌ای است که توانگران را خوانند و درویشان را

محروم کنند.

نماز

رسول^(ص) گفت: «اقتل بین پنج‌نماز، همچون مثل

آب روشن است که بر در سرای کسی می‌رود و هر روز

پنج بار خوشتن بدان آب بشوید. ممکن شود که بروی

هیچ شوخ (=چرک) بماند؟» گفتند: «نه یا رسول الله.»

گفت: این پنج نماز، گناه‌ها همچنان ببرد که آب شوخ را.

و رسول^(ص) گفت: که نماز ستون دین است. هر که

از نماز دست برداشت، دین خود را ویران کرد.

– پرسیدند از وی که: «از کارها چه فاضل تر است؟»

گفت: نماز به وقت خویش به پای داشت.

– و گفت: کلید بهشت نماز است.

و گفت: حق تعالی بر بندگان خود هیچ چیز

فریضه نگردانید پس از توحید، دوست‌تر نزدیک

وی از نماز.

– گفت رسول^(ص): بدترین دزدان آن است که از

نماز دزدد!

رسول^(ص) گفت: یک نماز به جماعت، چون بیست

وهفت است تنها.

و گفت: هر که نماز فختن (=عشا) به جماعت

کند، چنان بود که یک نیمه شب احیا کرده بود؛ و هر

که نماز با امداد به جماعت کند، چنان بود که جمله

شب احیا کرده باشد.

رسول^(ص) گفت که: بسا کسا که نصیب وی از نماز،

جز رنج و ماندگی نیست؛ و این‌آن بود که به کالبد، نماز

کند و به دل غافل.

و گفت که: بسیار بنده بود که نماز کند و از نماز

آب روشن است که بر در سرای کسی می‌رود و هر روز

پنج بار خوشتن بدان آب بشوید. ممکن شود که بروی

هیچ شوخ (=چرک) بماند؟» گفتند: «نه یا رسول الله.»

گفت: این پنج نماز، گناه‌ها همچنان ببرد که آب شوخ را.

و رسول^(ص) گفت: که نماز ستون دین است. هر که

از نماز دست برداشت، دین خود را ویران کرد.

دنیا

– گفت رسول^(ص): **خَبِثَ الدُّنْيَا سَ کلِّ خَطِيئَةٍ**: دوستی

دنیاسر همه خطاهاست.

رسول^(ص) گفته است: دنیا جادوتر است از هاروت

و ماروت، از وی حذر کنید!

– رسول^(ص) می‌گوید: همچنان که روا نباشد که

کسی در آب رود و تر نگردد، روا نباشد که کسی در دنیا

شود و آلوده نگردد!

رسول^(ص) گفت: دنیاو هر چه در آن است، ملعون

است، الا ذکر خدای تعالی و آنچه بر آن معاونت کند.

دوست

رسول^(ص) گفت: هر که خدای تعالی به وی خیری

خواسته باشد، وی را دوستی شایسته روزی کند تا اگر

خدا را فراموش کند، یادش دهد و اگر یاد کند، یار

وی باشد.

رسول^(ص) گفت: استوارترین دستاویزی در ایمان،

دوستی و دشمنی است برای خدا.

رسول^(ص) از بسیار برنجانیدند ندانان بشکستند

و خون به روی وی فرو می‌دوید و وی می‌گفت:

براختار یا، بر ایشان رحمت کن که نمی‌دانند!

رسول^(ص) گفت: «مؤمن آینه‌ی مؤمن بود»؛

یعنی که عیب و نقص خویش را از وی بداند.

رسول^(ص) می‌گوید که: هر که برادر خویش را دعا

کند در غیبت، فرشته‌ای گوید: تو را نیز همچین!

رسول^(ص) گفت: هر که پیران را رحمت ندارد و بر

کودک رحمت نکند، از ما نیست.

رسول^(ص) گفت: خدای تعالی گشاده‌روی‌آسان گیر

را دوست دارد.

و گفت: نیکوکاری که موجب مغفرت است، آسان

است؛ پیشانی گشاده و زبانی خوش.

رسول^(ص) گفت: «بگویم شما را که چیست از روزه

و صدقه و نماز، فاضل‌تر؟» گفتند: «بگویی.» گفت:

صلح افکندن در میان مسلمانان.

مردم فریاد می‌زنند: یا صاحب‌الزمان!

شهبازی آتش به جان مردم می‌زند و می‌رود.

همین چند شب پیش اینجا بود و از همین حرفها

زد؛ اما این بار واقعاً دلها را سوزاند. آن دفعه از

سوز چشمتان آتش باز از سوز دل روایت کرد.

بی خود نمی‌گفتند: آتش بگیر تا که بدانی چه

می‌

* چهار شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۵* ۱۳ ربیع الاول ۱۴۴۸

* ۱۶گوست ۲۰۲۴* سال صدویکم * شماره ۲۹۳۱۱

ettelaatonline

ettelaat.com

سخنان تام باراک درباره جولان جنجال آفرید

احتمال برکناری سفیر آمریکا درپی اظهارات ضداسرائیلی



اظهارات سفیر آمریکا در ترکیه علیه رژیم صهیونیستی درباره سوریه، واکنش تند محافل سیاسی در این کشور را برانگیخت. منابع نزدیک به دولت ترامپ از ناراضیانی کاخ سفیدوزارت خارجه‌امریکااز عملکردتام باراک، سفیر این کشور در ترکیه خبر می دهند و می‌گویند احتمال فراخواندن او به واشنگتن وبرکناری از این سمت در حال بررسی است.اظهارات اخیر باراک درباره بلندی های جولان ، از جمله توصیف این منطقه به عنوان سرزمینی اشغالی متعلق به سوریه به قطعنامه های بین المللی ، خشم مقام های دولت ترامپ را برانگیخته است زیرااین اظهارات با تصمیم ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری اش برای به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر جولان مغایرت دارد.برخی مقام‌های دولت آمریکا همچنین باراک را در تشدید تنش های اخیر میان ترکیه و اسرائیل مقصر می‌دانند و معتقدند نحوه عملکرد او در پرونده سوریه و ترکیه به برداشت اسرائیل از مواضع واشنگتن درباره حضور ترکیه در شمال سوریه آسیب زده است.

در مصاحبه با فاینشنال تایمز

گوترش: جنگ ایران محدودیت قدرت ابرقدرت‌ها را نشان داد



دبیرکل سازمان ملل، با اشاره به جنگ ایران و اوکراین گفت تحولات اخیر نشان داد که قدرت‌های بزرگ دیگر نمی‌توانند در هر شرایطی اراده و قدرت خود را بر دیگر کشورها تحمیل کنند و باید محدودیت‌های قدرت خود را بیپذیرند. آنتونیو گوت‌رش در مصاحبه‌ای با فاینشنال تایمز، افزود: جهان در حال تغییر است و ظهور قدرت‌های جدید و تجربه جنگ‌هایی که ابرقدرت‌ها در آنها نتوانسته‌اند به پیروزی قاطع دست پیدا کنند، نشانه حرکت جهان به سمت نظم چندقطبی است. وی با اشاره به جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران اظهار داشت: آمریکا امیدوار بود تهران پس از حمله ماه قوریه تسلیم شود، اما شش ماه بعد حاکمیت ایران همچنان به مقاومت ادامه داده و تنگه هرمز مهم‌ترین مسیر آبی انتقال انرژی در جهان را بسته است. وی گفت زمان آن رسیده که ابرقدرت‌ها محدودیت‌های قدرت خود را ردگ کنند.

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی دستور داد

شلیک ارتش اسرائیل به فلسطینی های بادبادک باز



اسرائیل: پرتاب بادبادک از غزه را اقدام جنگی تلقی خواهیم کرد.

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به ارتش دستور داد پس از ارسال چندین بادبادک از غزه به سمت جنوب اراضی اشغالی در روزهای اخیر ، به فلسطینی‌هایی که بادبادک پرتاب می‌کنند، شلیک کنند.

به گزارش شبکه الجزیره، یسرائیل کاتس به ارتش دستور داد اقدام قاطع علیه عاملان بادبادک‌های پرتاب شده از غزه انجام دهد. کاتس در بیانیه‌ای گفت ارتش باید افرادی را که بادبادک‌ها را پرتاب می‌کنند و همچنین مقامات حماس را که مسئول پرتاب‌ها هستند، هدف قرار دهد. او مدعی شد: ما هر پرتابی را یک اقدام جنگی می‌دانیم. این دستور پس از عبور چندین بادبادک از غزه به داخل اراضی اشغالی در روزهای اخیر صادر شد که هیچ آسیب یا خسارتی به بار نیاورد. این در حالی است که اسرائیل به حملات هوایی خود ادامه می‌دهد و آمریکا و کشورهای منطقه اصطلاحا به دنبال پیشبرد طرحی برای خلع سلاح حماس و عقب‌نشینی اسرائیل هستند. در سال ۲۰۱۸ پس از آنکه بادبادک‌ها و بالن‌های آتش‌زا از نوار غزه راه شدند و باعث آتش سوزی در جنوب اسرائیل شدند، هواپیماهای ارتش اسرائیل به سمت فلسطینی‌هایی که بالن‌های آتش‌زا پرتاب می‌کردند، شلیک کردند.

بمباران ایستگاه آب شیرین کن
در خبری دیگر اسرائیل روز گذشته ایستگاه

آب شیرین کن «الرضوان» در شمال غزه و همچنین یک مسجد را بمباران کرد. جنگنده‌های رژیم صهیونیستی محله «شیخ رضوان» در شمال شهر غزه را هدف حمله قرار دادند.

بر اساس تصاویر منتشر شده، در این حمله یک مسجد و همچنین ایستگاه آب شیرین کن «الرضوان» هدف قرار گرفتند. ویدئوهای منتشر شده لحظات نخست پس از حمله و برخاستن ستون‌های متراکم دود از محل هدف قرار گرفتن مسجد و تاسیسات آب شیرین کن در محله شیخ رضوان را نشان می‌داد.

همزمان وزارت بهداشت فلسطین در نوار غزه در تازه‌ترین بیانیه خود اعلام کرد، آمار تلفات تجاوزات رژیم صهیونیستی از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) تاکنون به ۷۳ هزار و ۴۲۲ شهید، و ۱۷۴ هزار و ۴۰۱ زخمی رسیده است.

احتمال شعله‌ور شدن کرانه‌باختری

در چنین شرایطی ارتش رژیم صهیونیستی درباره رفتارهای تحر یک آمیز دو مقام این رژیم و احتمال شعله‌ور شدن کرانه باختری و شکل‌گیری انتفاضه سوم هشدار داد. به گزارش روزنامه معاریو، مقام‌های ارشد ارتش رژیم صهیونیستی هشدار دادند که اقدامات «ایتامار بن گویر» وزیر امنیت داخلی و «صاوی سوکوت» عضو کست در کرانه باختری می‌تواند فلسطینیان را تحریک کرده و زمینه را برای شعله‌ور شدن منطقه و شکل‌گیری انتفاضه سوم فراهم کند.

این در حالی است که بن گویر دیروز به مرکز آموزشی

وابسته به آژانس امداد و کارایی سازمان ملل «آنروا» در قلندیا یورش برد و بر تخلیه ساختمان‌های این نهاد تأکید کرد. سوکوت نیز با همراهی شهرک نشینان و تحت حفاظت نظامیان صهیونیستی، یک بنای یادبود فلسطینیان را در روستای مادام‌آدر جنوب نابلس تخریب کرد. به گفته این مقام‌ها، چنین اقداماتی می‌تواند تنش‌ها در کرانه باختری را تشدید کرده و منطقه را به سمت یک درگیری گسترده سوق دهد.

این مقام‌ها همچنین از نحوه رفتار بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با رئیس ستاد ارتش انتقاد کردند. به گفته یک مقام نظامی، نتانیاهو بدون اطلاع قبلی و تنها چند ساعت پیش از جلسه، از ارتش خواست جلسه‌ای امنیتی با حضور نخست‌وزیر و وزیر جنگ برگزار شود. در این جلسه، فرماندهان ارتش گزارشی از وضعیت کرانه باختری ارائه کردند و نسبت به افزایش تنش‌ها، به ویژه در بی اقدامات خشونت آمیز شهرک نشینان هشدار دادند.

پس از ارائه گزارش، نتانیاهو رئیس ستاد ارتش درباره آمادگی این رژیم در صورت وقوع یک تحول گسترده در کرانه باختری پرسید. رئیس ستاد نیز اعلام کرد ارتش برای چنین شرایطی برنامه‌هایی دارد، اما در این جلسه اسناد و طرح‌های مربوط به آن را همراه نداشت.

رسانه اسرائیلی هم ابراز نگرانی کرد

همزمان یک روزنامه رژیم صهیونیستی به نقل از یک مقام ارشد این رژیم با هشدار درباره وخامت اوضاع کرانه باختری، نوشت که این منطقه در آستانه انفجار

پس از ۴۷ سال

آمریکا نام سوریه را از فهرست تروریسم حذف کرد



وزارت خزانه داری آمریکا نام سوریه را از لیست کشورهای حامی تروریسم حذف کرد. همزمان وزارت خارجه آمریکا نیز عنوان «سازمان تروریستی جهانی» را برای هیات تحریرالشام (جبهه النصره سابق) لغو کرد.

اسکات پستنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای گفت این اقدام، به افزایش سرمایه‌گذاری در سوریه و تقویت ثبات سیاسی و اقتصادی این کشور کمک خواهد کرد. از سویی این اقدام ایالات متحده با استقبال دمشق روبرو شد و احمدالشرع ضمن قدردانی از ترامپ، گفت خروج رسمی نام سوریه از فهرست کشورهای حامی تروریسم را به مردم سوریه تبریک می‌گویم و از رئیس جمهوری آمریکا بابت این تصمیم تاریخی تشکر می‌کنم. آمریکا دولت حافظ اسد رئیس جمهوری پیشین سوریه ماه به اتهام حمایت از گروه‌های مسلح فلسطینی و فراهم کردن پناهگاه، دفتر، امکانات آموزشی و پشتیبانی لجستیکی برای آن‌ها، در سال ۱۹۷۹ در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داد.

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی دستور داد

قرار دارد، روزنامه «یدیעות آحرانوت» به نقل از یک مقام ارشد صهیونیستی با اشاره به اینکه اوضاع کرانه باختری در صورت تداوم شرایط کنونی ممکن است منفجر شود، هشدار داد که ممکن است مهار پیامدهای این وضعیت دشوار باشد. این مقام صهیونیست افزود: وضعیت امنیتی کرانه باختری دارای ویژگی خاصی است که نیازمند تعامل متفاوت است و نهاد امنیتی اسرائیل به چالش بزرگی مواجه است تا از خروج اوضاع از کنترل جلوگیری کند.

این مقام صهیونیست که به نام وی اشاره نشده است، با اشاره به افزایش تقاط درگیری فلسطینیان با نظامیان صهیونیست در سراسر کرانه باختری، گفت که این امر باعث فرسایش توان ارتش اسرائیل و استقرار نیروهای آن در تعداد زیادی از نقاط شده است. به گفته وی، ارتش اسرائیل مجبور به تأمین امنیت بلوک‌های شهرک نشینی شده که شهرک نشیمان صهیونیست به صورت غیرقانونی در کرانه باختری ایجاد کرده و باعث تنش‌های بیشتر در این منطقه شده‌اند. این مقام صهیونیست همچنین به وخامت اوضاع اقتصادی فلسطینیان به عنوان عامل تأثیرگذار دیگر در وضعیت کرانه باختری اشاره کرده و از فلسطینیان این منطقه به عنوان «بمب ساعتی» یاد کرده است. از سوی دیگر یورش نیروهای رژیم صهیونیستی به مناطق مختلف کرانه باختری اشغالی ادامه داشته و شماری دیگر از فلسطینیان بازداشت شده‌اند.

تخریب مقر آنروا

در خبری دیگر وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی با یورش به مقر آژانس امداد رسانی سازمان ملل (آنروا) در منطقه «کفر عقب» در شمال قدس اشغالی، از آغاز عملیات تخلیه و تخریب این مجموعه خبر داد. رسانه‌ها گزارش کردند نظامیان رژیم صهیونیستی تمامی کارکنان حاضر در موسسه وابسته به آنروا در نزدیکی اردوگاه قلندیا را از محل خارج کردند. تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز گزارش داد که عملیات برای تخریب این مجمع آغاز شده است.

ایتامار بن گویر وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی در اظهاراتی با دفاع از این اقدام، مدعی شد حاکمیت، حرف نیست بلکه عمل است.

وی در ادامه اتهامات خود علیه این نهاد بین‌المللی مدعی شد کارکنان آنروا در فعالیت‌های تروریستی دست داشته‌اند و به زعم او، جایی برای این آژانس در قدس و دیگر مناطق فلسطین اشغالی وجود ندارد. این اقدام که با یورش مستقیم وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی به این مقر همراه بود، در راستای سیاست‌های فشار این رژیم علیه فعالیت‌های نهاد‌های بین‌المللی در مناطق فلسطینی نیست بلکه عمل است.

استاندار قدس نیز اعلام کرد نیروهای اسرائیلی تمام کارکنان آژانس امداد و کار سازمان ملل را از مرکز آموزشی قلندیا در شمال قدس اشغالی اخراج کرده و به آنها اطلاع دادند که یک رقیق بازگشت ندارند.

پس از این حمله، نیروهای اشغالگر محاصره امنیتی شدیدی را در اطراف این موسسه اعمال کردند که همزمان با استقرار گسترده خودروهای نظامی در منطقه بود.

نماینده افغان تبار کنگره آمریکا:

جنگ سالاران مورد حمایت واشنگتن، افغانستان را به تاراج بردند

محاصره و فشار نظامی تشدید می‌شود

تهدید یمن به خفه کردن اقتصاد عربستان

به این نفتکش در بندر ینبع، یکی از برجسته‌ترین عملیات‌ها علیه عربستان طی روزهای گذشته بود که همزمان با حمله به تجهیزات نظامی که عربستان سعودی از طریق گذرگاه مرزی اودیعه در شرق یمن مستقر کرده بود، انجام شد. عملیات یمن در هدف قرار دادن نفتکش «امزان» به عنوان بخشی از تلاش‌ها برای توقف کامل یارگیری نفت عربستان از بندر ینبع، پس از افزایش ظرفیت یارگیری در آنجا به بیش از یک میلیون بشکه در روز، صورت گرفت. در این زمینه، سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن در بیانیه‌ای اعلام کرد عملیات هدف قرار دادن نفتکش سعودی با دقت انجام گرفت و مستقیماً به هدف خورد و منجر به آتش سوزی در عرشه کشتی و فرار کشتی‌های مجاور آن شد. نیروهای مسلح یمن همچنین از اجرای دو عملیات نظامی دیگر خبر دادند، در سودان برای مردم این کشور هشدار داد و گفت: درگیری‌ها بر اساس بیانیه این نیروها، در عملیات نخست، تجمع‌ات نیروهای سعودی که در قالب یک کاروان نظامی بزرگ و حامل تجهیزات نظامی حرکت می‌کردند،

با تأکید بر نیاز خارطوم به حمایت‌های فوری بشردوستانه

سازمان ملل: جهان نسبت به تراژدی سودان بی‌تفاوت است

مردم این کشور به عنوان مهره‌هایی در کشمکش منطقه‌ای

بر سر قدرت، طلا و جاه‌طلبی استفاده می‌کنند. فلچر تصریح کرد: این شورا نتوان نیست، جامعه بین‌المللی نیز ناتوان نیست؛ این اسناد هم این مردم این کشور هشدار داد و گفت: درگیری‌ها این است که هنوز اراده لازم برای انجام آنچه باید انجام دهیم، وجود ندارد. خانم زهماری دی کارلومعاون دبیرکل سازمان ملل در امور سیاسی و صلح‌سازی نیز درباره پیامدهای فاجعه‌بار درگیری در سودان برای مردم این کشور هشدار داد و گفت: درگیری‌ها همچنان ادامه دارد و پیامدهای آن طولانی مدت خواهد بود و رنج مردم در حال افزایش است. وی در نشست شورای امنیت درباره سودان افزود: امروز که در اینجا گردآمده‌ایم، درگیری‌ها در چند جبهه در سراسر سودان ادامه دارد و پیامدهای این درگیری طولانی مدت خواهد بود و باید همه‌ما راعمیقاً شوکه کند. وی تصریح کرد: ۱۳ میلیون نفر خانه‌های خود را ترک کرده‌اند.



ایران در رسانه‌های جهان



✳️ **فابن افروز:** ۴۷ سال اتکای واشنگتن به تحریم، تهدید نظامی و سیاست فشار حداکثری علیه ایران، سرانجام به جنگی رسید که محدودیت‌های قدرت آمریکا را آشکار کرد. ✳️ **سی‌ان‌ان:** راهبردی ترامپ بر این فرض استوار بود که قدرت آمریکا متحدها و دشمنان راودار به تبعیت می‌کند، اما اکنون در برابر مقاومت ایران با جدی‌ترین آزمون خود روبه‌رو شده است.

✳️ **معاریو:** هدف ترامپ از تشدید تحریم‌ها، فروپاشی اقتصاد ایران و کشتادن مردم به خیابان‌هاست اما تهران به خوبی راه عبور از این فشارها را می‌داند.

✳️ **اکنونیمست:** تحریم‌های واشنگتن علیه ایران بیشتر لفاظی است و ایران و کشورهای

که بالن مرادوات تجاری دارند، می‌توانند آن را نادیده بگیرند.

✳️ **فاینشنال تایمز:** آمریکا در آغاز جنگ با ایران امیدوار بود تهران تسلیم شود، اما شش

ماه پس از آن زمان، هنوز نتوانسته به هدف مورد انتظار خود دست یابد.

عملکرد مثبت وزارت نفت

در حوزه دیپلماسی انرژی

مسعود دشتی درخشان

کارشناس ارشد بین الملل



در ارزیابی عملکرد ایران در حوزه دیپلماسی انرژی، شاید مهم‌ترین نکته این باشد که موفقیت‌های این حوزه را نباید صرفاً با تعداد دیدارهای سیاسی، سفرهای خارجی یا تقاهم‌نامه‌ها سنجید. معیار اصلی، توانایی تبدیل روابط سیاسی و اقتصادی به بازار، مشتری، مسیر صادراتی، سرمایه‌گذاری و جریان پایدار تجارت انرژی است. از این منظر، رویکرد وزارت نفت در دولت چهاردهم و عملکرد محسن پاک‌نژاد را می‌توان در چارچوب حرکتی هدفمند به سمت «دیپلماسی بازار» ارزیابی کرد؛ رویکردی که در آن نفت نه فقط یک کالای صادراتی، بلکه ابزاری برای توسعه روابط اقتصادی و تقویت جایگاه ایران در معادلات انرژی جهان است.

بازار جهانی انرژی در سال‌های اخیر با تحولات عمیقی مواجه شده است. تغییر مسیرهای تجارت انرژی، افزایش اهمیت اقتصادهای نوظهور آسیا، گسترش همکاری‌های جنوب-جنوب و شکل‌گیری ترتیبات جدید اقتصادی، فرصت‌های تازه‌ای برای کشورهای صاحب ذخایر انرژی ایجاد کرده است. در چنین محیطی، دیپلماسی انرژی ایران نیز بیش از گذشته نیازمند نگاه به بازارهای متنوع و افق‌های بلندمدت است. در این چارچوب، توجه وزارت نفت به هند و حضور فعال ایران در سازوکار انرژی بریکس اهمیت قابل توجهی دارد. حضور وزیر نفت در نشست وزیران نفت و انرژی بریکس در هندوگفت‌وگو با مقام‌های هندی و دیگر کشورهای عضو، زمینه‌ای برای توسعه همکاری‌های نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی و استفاده از ظرفیت‌های گسترده روابط انرژی میان ایران و اقتصادهای نوظهور فراهم کرده است. اهمیت این رویکرد در آن است که هند را نمی‌توان صرفاً یک مقصد بالقوه برای صادرات نفت ایران تلقی کرد. هندی‌کی از مهم‌ترین مراکز رشد تقاضای انرژی در آسیاست و حضور آن در کنار چین، ایران و سایر اقتصادهای بزرگ نوظهور در بریکس، یک شبکه مهم اقتصادی و انرژی ایجاد کرده است. بنابراین توسعه روابط با هند در کنار استمرار روابط راهبردی با چین، به معنای دنبال کردن یک سیاست تنوع‌بخشی هوشمند به بازارهای انرژی است؛ سیاستی که قدرت انتخاب ایران را در شرایط مختلف بازار افزایش می‌دهد.

در همین چارچوب، توسعه روابط انرژی با آفریقای جنوبی نیز قابل توجه است. گفت‌وگوهای وزیر نفت ایران با مقام‌های انرژی آفریقای جنوبی در حاشیه نشست بریکس، نمونه‌ای از استفاده از ظرفیت دیپلماسی جدید جهت‌گیری برای توسعه روابط دوجانبه است. این نوع تعاملات نشان می‌دهد که دیپلماسی انرژی ایران می‌تواند از سطح رابطه با مشتری‌بان سنتی فراتر رفته و به سمت ایجاد شبکه‌ای گسترده‌تر از همکاری‌های انرژی حرکت کند. نکته مهم دیگر آن است که فروش نفت به انتقاد یک معامله پایان نمی‌یابد؛ بلکه تازه‌آغاز یک زنجیره عملیاتی است. در بازار واقعی، مشتری، قیمت و قرارداد فقط بخشی از فرآیند صادرات هستند. حمل‌ونقل دریایی، دسترسی به کشتی، بیمه، پایانه، عملیات بارگیری، مسیر انتقال، دریافت وجوه و استمرار عرضه نیز باید در کنار یکدیگر قرار گیرند تا فروش به صادرات پایدار تبدیل شود. از این منظر، دیپلماسی انرژی، زمانی بیشترین اثرگذاری را دارد که با ظرفیت‌های عملیاتی، تجاری و دریایی صنعت نفت پیوند بخورد. این‌ها، نگاه اهمیت سیاست‌گذاری حرکت برای بازارهای جدید و مدل‌های متنوع فروش نفت را دوچندان می‌کند. ایران با دراختیارداشتن ذخایر عظیم نفت و گاز، زمانی می‌تواند از ظرفیت ژئوپلیتیکی خود بیشترین بهره را ببرد که برای هر بشکه نفت علاوه بر تولید، بازار، مشتری، مسیر و سازوکار تحویل نیز تعریف شده باشد. در چنین شرایطی، دیپلماسی انرژی از یک فعالیت سیاسی به یک ابزار واقعی برای افزایش قدرت تجاری کشور تبدیل می‌شود.

از سوی دیگر، حضور فعال ایران در بریکس نتها به موضوع فروش نفت محدود نیست. این گروه مجموعه‌ای از اقتصادهای بزرگ و نوظهور جهان را دربر می‌گیرد و موضوعاتی مانند امنیت انرژی، سرمایه‌گذاری، فناوری، تجارت و همکاری‌های اقتصادی در دستور کار آن قرار دارد. حضور ایران در گفت‌وگوهای انرژی بریکس می‌تواند امکان مشارکت فعال‌تر کشور در شکل‌گیری ترتیبات جدید انرژی و تجارت جهانی را فراهم کند. در این میان، نگاه به آینده اهمیت ویژه‌ای دارد. دیپلماسی انرژی موفق تنها برای شرایط امروز بازار برنامه‌ریزی نمی‌کند، بلکه باید ظرفیت‌های لازم برای شرایط فردا را نیز ایجاد کند. اگر فضای تجارت جهانی انرژی در آینده با کاهش محدودیت‌ها و افزایش رقابت برای عرضه نفت همراه شود، کشورهایی از موقعیت بهتری برخوردار خواهند بود که پیشاپیش شبکه روابط خود را با مشتریان، پالایشگران، سرمایه‌گذاران و بازیگران حمل‌ونقل انرژی توسعه داده باشند. از این منظر، مجموعه اقدامات وزارت نفت در حوزه روابط بین‌الملل را می‌توان بخشی از یک راهبرد بزرگ‌تر برای ساختن بازارهای آینده انرژی ایران دانست. حفظ روابط راهبردی با چین، توسعه مناسبات انرژی با هند، استفاده از ظرفیت‌های بریکس و گسترش ارتباط با اقتصادهای نوظهور، در کنار استمرار توان صادراتی کشور، اجزای یک سیاست واحد را تشکیل می‌دهند. افزایش قدرت مانور ایران در بازار جهانی انرژی، در این میان، یک واقعیت نیز از منظر ژئوپلیتیک انرژی قابل تأمل است. محسن پاک‌نژاد اقتصادچندما پس از آغاز مسئولیت تولیدید به عنوان وزیر نفت، در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفت. در متن تصمیم تحریمی آمریکا، نقش او در مدیریت و نظارت بر صادرات نفت ایران و جریان درآمد‌های حاصل از آن تود توجه قرار گرفته است. این موضوع می‌تواند از زاویه‌ای فراتر از یک اقدام تحریمی بررسی کرد: در شرایطی که بخش مهمی از فشار اقتصادی علیه ایران بر محدودکردن توان صادرات انرژی متمرکز است، طبیعی است که مدیریت زنجیره صادرات و تجارت نفت در مرکز توجه سیاست‌گذاران آمریکایی قرار گیرد. سابقه حرفه‌ای پاک‌نژاد در حوزه صادرات و مبادلات نفتی نیز بر اهمیت این موضوع می‌افزاید. از این منظر، جایگاه وزیر نفت در ساختار اقتصادی کشور صرفاً به اداره یک وزارتخانه یا مدیریت تولید محدود نمی‌شود؛ او در نقطه اتصال میان ظرفیت تولید ایران، بازار جهانی انرژی و توان کشور برای تبدیل منابع هیدروکربوری به درآمد ارزی قرار دارد. در واقع، اهمیت وزارت نفت در ساختار اقتصادی ایران را شاید بتوان از این واقعیت دریافت که هر تغییری در توان صادرات نفت، بلافاصله در معادلات درآمدزایی، روابط خارجی و وزن ژئوپلیتیکی کشور بازتاب پیدا می‌کند.

در مجموع، دیپلماسی انرژی ایران زمانی به بیشترین اثربخشی خود می‌رسد که از «دیپلماسی فروش نفت» به «دیپلماسی ساخت بازار» عبور کند. در این رویکرد، هر رابطه خارجی می‌تواند به یک مسیر تجاری، هر همکاری سیاسی به یک فرصت اقتصادی و هر بازار جدید به پشتوانه‌ای برای افزایش قدرت صادراتی کشور تبدیل شود. رویکرد وزارت نفت و حضور فعال آن در مناسبات انرژی منطقه‌ای و بین‌المللی، در همین صورت قابل فهم است؛ مسیری که هدف نهایی آن، استفاده حداکثری از ظرفیت انرژی ایران برای ساختن بازارهای امروز و فردای کشور است.

